

مدلهای روان

نویسنده: دکتر محمد سلجوقی

چکیده

مجموعه قوای ذهنی معطوف به هوش، حافظه و عاطفه که استعداد و کیفیت رفتاری شخص را مشخص میکند. روان در حیات داخل رحمی شروع تشکیل کرده و غرایز طفل را ایجاد میکنند که عبارت از اید یا نهاد طفل است؛ سپس تربیت فامیل و اجتماعی، سبب ایجاد سوپرایگو که شامل وجدان اخلاقی طفل است، میشود و نظریه سلامت تربیه خانواده گی و اجتماعی میتواند یک شخصیت مفید و سالم تحویل جامعه گردد، و یا هم برعکس یک شخص مضر برای جامعه بار آید. در ضمن روان شامل قسمتهای توپوگرافیک نیز میشود که کنترل کننده شخص در حالات مختلف خواب، بیداری و تفکر عمیق میباشد این قسمت شامل ضمیر خودآگاه، نیمه خودآگاه و ناخودآگاه است.

کلمات کلیدی: خودآگاه، ناخودآگاه، نیمه خودآگاه، اید یا نهاد، ایگو و سوپرایگو

مقدمه

روان یا ذهن سالم، شخصیت سالم فرد را تضمین میکند. طفل باغرایز، که اجزای ابتدایی روان است متولد میشود؛ سپس این خانواده و اجتماع است که غرایز فرد را هدایت میکند. مقاله هذا، به شکل و تغییرات روان در طول حیات فرد میپردازد که ریشه های انحرافات شخصیتی به این پروسه های روانی وابسته است. آیا انسانهای بد از بطن مادر بد بوده اند؟ آیا خانواده و اجتماع در خوب و بد شدن فرد تأثیر دارد؟ توجه در کدام مراحل حیات، سبب هدایت فرد میشود (چه خوب چه بد)؟ در کدام مرحله شکل روان و وجدان فرد ایجاد میشود که قضاوت کننده رفتار فرد است؟

خانواده سالم به همراه اجتماع سالم، با ایجاد سوپرایگو که همان وجدان است، غرایز طفل را تحت کنترل قراردادده آنها را به خصایص سالم تعدیل میکند و از انحرافات شخصیتی جلوگیری میکند؛ اما بالعکس خانواده و جامعه ناسالم، هر کدام غرایز فرد را به طرف اهداف منفی سوق داده و زمینه یی انحرافات شخصیتی را فراهم میکند.

مدلهای روان (البته طبق نظریه فروید):

۱. مدل توپوگرافیک روان

۲. مدل ساختاری روان

مدل توپوگرافیک روان

طبق نظریه فروید روان به سه قسمت تقسیم میشود:

۱. خود آگاه؛

۲. نیمه خود آگاه؛

۳. ناخود آگاه.

خود آگاه

تعریف: آن حالتی واضحی از روان است که در آن ادراکات (عملیه ذهنی که در طی آن تجربه حسی معنی دار میشوند) ورودی از دنیای بیرون یا درون بدن یا ذهن به حیطه آگاهی آورده میشوند. در حقیقت حالتی از روان است که ما در حالت درس خواندن و صحبت کردن و غیره حالات برخورداریم. درواقع بیشتر روزمان را با آن میگذرانیم. خود آگاهی پدیده یی ذهنی است که محتوای

آن فقط از طریق زبان یا رفتار قابل بیان است.

محتوا: قلمرو یا حیطه عقل است و یا صحنه افکار و احساسات؛ اما ممکن قضیه برعکس باشد. **وظیفه:** در حالت بیداری برانسان حکومت میکند. در حقیقت در تفکرات و اقدامات روزانه با آن سروکار داریم.

نیمه خودآگاه

این سیستم، از محتویات عملیه ها و رویدادهای روانی تشکیل شده است که از طریق تمرکز توجه میتوان آنها را به حیطه آگاهی آورد؛ طور مثال: شما ممکن است که چهره همصنفی صنف اول خود را به خاطر نیاورید؛ اما از طریق تمرکز حواس ممکن است که بتوانید صورتش را به خاطر آورید. در حقیقت چهره آن دوست در حیطه و محدوده نیمه خودآگاه شما قرار دارد. این قسمت از روان در مرز بین خودآگاه و ناخودآگاه قرار دارد.

محتوا: صحنه افکار لجام گسسته و نامنظم است یا محتوای آن را غرایز و عقده ها تشکیل میدهد. به اصطلاح جولانگاه افکار و احساسات و تمایلاتی است که از حب ذات و خودپرستی و خودخواهی منشا میگیرد؛ اما ممکن است صحنه تمایلات دگردوستی باشد.

وظیفه: در حقیقت سدی است که تمایلات و آرزوهای نامعقول را سانسور میکند؛ چون ما از آوان کودکی آرزوهایی داشتیم که تحقق نه پیوسته اند و به خاطر آوردن آنها آزار دهنده است. بناءً نیمه آگاه از بروز آنها جلوگیری میکند. به این معنا که آرزوها و افکار را بازرسی کرده از ورود مسایل آزار دهنده جلوگیری کرده و مسایلی را که آزار دهنده نیستند اجازه عبور میدهد. وظیفه مهم دیگر آن این است که در حالت خواب و زمانی که در یک مسأله یی غرق میشویم؛ مثلاً در زمان دیدن فلم جذاب برانسان حکومت میکند. (فروید، ۱۹۵۶: ۱۹-۲۸)

ناخودآگاه

هنگامی که شخصی مغزش ضربه میبیند یا بعد از مصرف الکول و غیره موادنش آورشخص از خودبی خود میشود میگویند شخص بی خوداست.

تعریف: بخشی از روان است که تمام اتفاقات گذشته را در خود ذخیره میکند و در مواقع نیاز به خودآگاه میفرستد. مفهوم آن این است که شخصی که ضربه مغزی دیده و یا شخصی که نشه است کارهایی میکند و یا حرفهایی میزند که به آن آگاهی ندارد؛ اما این افکار بروز شده قبلاً در ناخودآگاه

اشخاص فوق حک شده بوده اند.

محتوا: محتوای خاطرات و تجربیات فراموش شده است.

در حقیقت ذهن ما مانند کامره فیلمبرداریست که همه چیز را ثبت میکند؛ اما بستگی دارد که این (ورودیها یا Data) چقدر برای ما مهم است؛ اگر این معلومات زیاد مهم باشد یا به اصطلاح جذبۀ زیادتر داشته باشد در ضمیر خود آگاه، اگر کمتر جذبۀ داشته باشد در ضمیر نیمه خود آگاه و بلاخره اگر جذبۀ آن بسیار کم و یا گذرا باشد جزء خاطرات فراموش شده در ضمیر ناخود آگاه جایگزین میشود. نکته مهم دیگر اینست که اگر معلومات خود آگاه را مدتی استفاده کنیم؛ اما دیگر به آن توجه نکنیم ابتدا به بخش نیمه آگاه بعداً به ناخود آگاه منتقل شده انبار شده به آسانی قابل بازیافت نیست. بناءً جمله "از ذهن فرار میکند" منظور باید فرار از خود آگاه به ناخود آگاه باشد نه فرار از ذهن. چگونه معلومات از خود آگاه فرار میکند؟ ناخود آگاه قوه بی دارد که مطالب را به طرف خود میکشاند؛ اما اگر معلومات در دسترس استفاده باشد قوه مذکور خنثی میشود؛ پس یادآوری و تفکر در مورد یک مطلب در حقیقت جدال با قوه ناخود آگاه است. (فروید، ۱۳۸۱: ۸-۳)

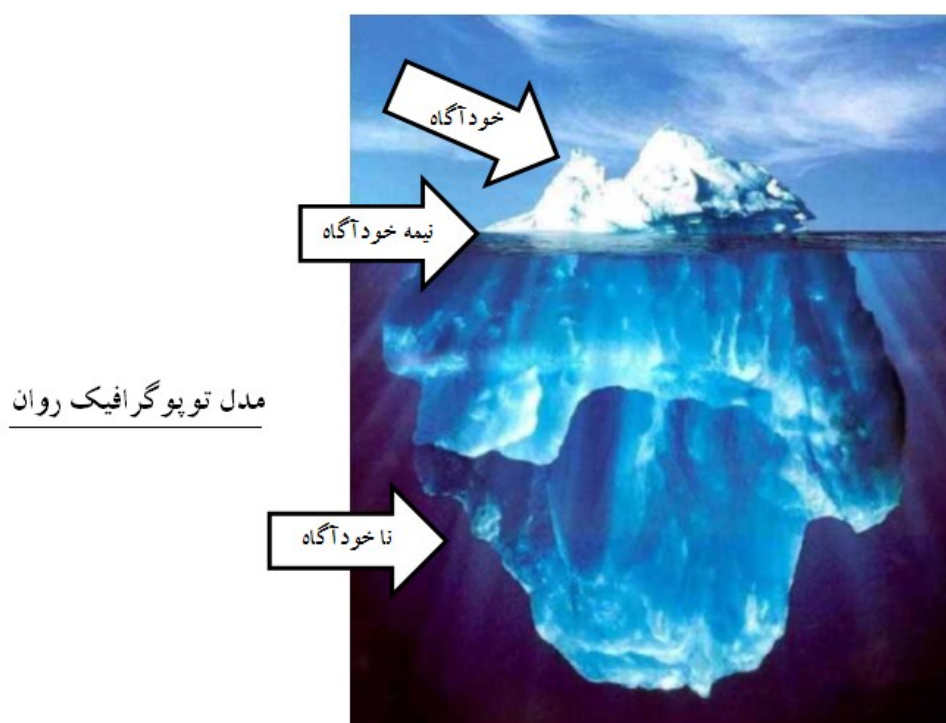
انتقال معلومات از ناخود آگاه به خود آگاه: معلومات برای اینکه در معرض استفاده خود آگاه قرار بگیرد باید از سد سانسوری ضمیر نیمه خود آگاه بگذرد؛ پس ابتدا باید این سد بگسلد یا ضعیف شود؛ بناءً در اشخاص معتاد سد از بین میرود. به همین خاطر میگویند شخص بی خود است؛ چون حرفهایی میزند که تصور میشود از ناخود آگاهش به خود آگاهش آمده است.

اگر خواسته باشیم از معلومات ناخود آگاه استفاده کنیم باید روانکاوی شویم. برای این کار روشهای متعدد از جمله هیپنوتیزم (روش نفوذ به ناخود آگاه توسط خواب مصنوعی که توسط تلقینات به وجود میآید، است) وجود دارد؛ به طور مثال شما میخواهید صبح وقت یا هر ساعت معین بیدار شوید، میتوانید وقت مورد نظر را به خود تلقین کنید. تلقینات به نیمه خود آگاه و ناخود آگاه رفته زمانی که ساعت مورد نظر رسد (ذهن عمل ساعت را خود انجام میدهد) ناخود آگاه فرمان را به خود آگاه صادر کرده شخص بیدار میشود. این روش را می توان در مواردی حتی وسیعتر استفاده کرد. نوشته اند که دو نفر مقصر، محکوم به اعدام بوده اند و به این منظور چشم یکی را بسته و در برابر چشمان دیگری او را بیشتر میزنند و ظرف یکی دو ساعت در اثر خونریزی میمیرد؛ سپس چشم دومی را هم میبندند؛ اما رگش را نمیزنند و با نیشتر به آن اشاره میکنند؛ چون نیشتر به بدنش اصابت

کرد خیال میکند که مانند رفیقش او هم خونریزی میکند؛ همین طور خودش خیال بافی میکند، حالا ۵ دقیقه خونریزی شده، حالا ۱۰ دقیقه و... تا وقتی که به اندازه موعده رفیقش رسید، افتاد و مرد. (بارون، ۱۳۸۱: ۴۱-۳۴)

مدل توپوگرافیک روان

تشبیه روان به یک کوه یخ در دریا که قسمت فرو رفته در آب ضمیرناخودآگاه، قسمت بین



البینی ضمی نیمه خودآگاه و قسمت بیرون از آب ضمیر خودآگاه (فروید، ۱۳۸۱: ۱)

مدل ساختاری روان

بعد از اینکه مدل توپوگرافیک روان بیان شد، فروید یک سلسله محدودیتها را یافت؛ ازاینرو وی مدل ساختاری را که محدودیت کمتری دارد بیان کرد.

طبق نظریه فروید در روان سه قلمرو یا محدوده مشخص میشود:

(۱) اید (Id) یا نهاد؛

(۲) ایگو (Ego) یا خود؛

(۳) سوپرایگو (Super ego) یا فراخود؛

اید(نهاد): مخزنی از محرکهای فطری یا غرایز بی سازمان میباشد.

فعالیت اید طوریت که فاقد توانایی تعدیل یا تأخیر محرکهای فطری است که نوزاد با آن متولد میشود. مفهوم آن اینست که نهاد یا اید طفل قبل از تولد برنامه ریزی شده است این محرکها در حقیقت طفل را برای تطابق با محیط و افراد آن تحریک میکند؛ به طور مثال: گریه کردن طفل فطری است که در اید یا نهاد وی برنامه ریزی شده است مثال دیگر آن مکیدن میتواند باشد. (۷) نهاد را نمیتوان معادل ناخودآگاه دانست؛ زیرا هم ایگو و هم سوپرایگو اجزای ناخودآگاهی دارند.

اصل و قانون نهاد لذت است؛ یعنی نهاد همه چیز را برآورده میداند؛ به طور مثال نهاد به طفل گرسنه امر میکند برای ارضای گرسنگی خود هرچه در دسترس است بخورد، مهم نیست سنگ و خاک یا غذا باشد؛ پس این بخشی از روان منطبق ندارد. (فروید، ۱۹۱۴: ۵۸-۱۵)

ایگو(خود): ایگو تمام ابعاد توپوگرافیک "خودآگاه و نیمه خودآگاه و ناخودآگاه را در بر میگیرد. تفکر منطقی و انتزاعی (هرآنچه در ذهن است؛ اما وجود خارجی ندارد) و بیان کلامی با فعالیتهای خودآگاه و نیمه آگاه ایگو ارتباط دارند. مکانیزمهای دفاعی روان که از بروز مسایل دلخراش جلوگیری میکند در محدوده ناخودآگاه ایگو قرار دارند. ایگو یک عضو اجرایی روان است که تحرک "ادراک"، تماس با واقعیت و تأخیر و تعدیل غریزه ها را کنترل میکند.

اصل و قانون ایگو یا خود، حقیقت و منطق است و تلاش میکند واقعیت را جایگزین اصل لذت کند؛ به این معنی به طفل گرسنه توسعه میدهد که صبر کند و هر چه را که می بیند نخورد تا مادرت برایت غذا بیاورد. (تقدسی، ب. ت: ۴۷-۴۹)

سوپرایگو یا فراخود: سوپرایگو براساس نظام پیچیده یی از آرمانها و ارزشهای درون فکنی

شده یی از والدین، وجدان اخلاقی فرد را برقرار و حفظ میکند.

کودک در حدود سن ۵ تا ۶ سالگی ارزشها و معیارات والدین را در خود جای میدهد که در حقیقت سوپرایگو کودک تشکیل میشود؛ پس از آن سوپرایگو به عنوان عامل موشکافی مستمر در رفتار، احساسات و افکار فرد عمل میکند و رفتار فرد را با معیارات مورد انتظار رفتار، مقایسه میکند

و مقبول بودن یا نبودن آنها را مشخص میسازد. این فعالیتها عمدتاً ناخودآگاه (ازقبل برنامه ریزی شده) میباشد (فروید، ۱۸۳: ۹-۱).



(فروید، ۱۳۸۲: ۲۹)

عمدتاً سوپرایگو از دو بخش عکس یکدیگر تشکیل شده است:

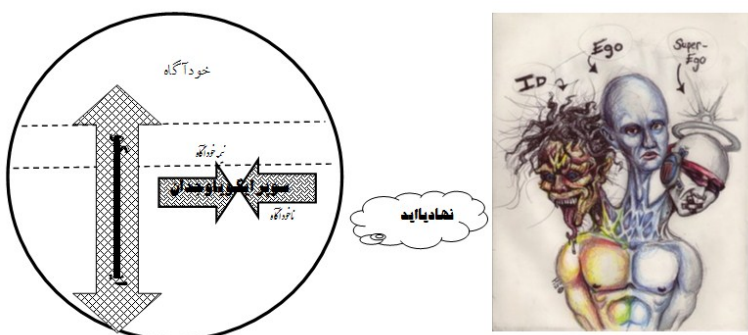
(۱) ایگوی آرمانی

(۲) سوپرایگو

(۱) **ایگوی آرمانی:** عاملی است که تعیین میکند فرد مطابق ارزشها و معیارات برنامه ریزی شده چه باید بکند.

(۲) **سوپرایگو:** عاملی است که آنچه را شخص نباید انجام دهد تعیین میکند. درواقع وجدان اخلاقی است.

طبق نظریه فروید روان انسان صحنه جنگ اید و سوپرایگو است که میان این دو طرف، ایگو نقش میانجی را دارد. نهاد، طرف لذت جوی و غیر منطقی و بالعکس سوپرایگو، طرف منطقی هستند.



(فروید، ۱۳۸۲: ۱)

حالا بستگی دارد سوپرایگو چطور برنامه ریزی شود. اگر فرد در یک خانواده و جامعه با فرهنگ بزرگ شود سوپرایگوی شخص میتواند اید را رام و مهار کند. بالعکس اگر فرد در خانواده و جامعه بی بی فرهنگ و لجام گسسته بزرگ شود سوپرایگو به قوای اید پیوسته باهم از فرد، یک مجرم یا خلاف کار میسازند؛ به طور مثال وقتی زندگی ادولف هیتلر را مرور میکنیم میبینیم که چطور جامعه، خصوصاً پدر و معلمانش، از یک شخص عاشق نقاشی جامعه، یک نابغه جنگ و خودخواه میسازد.

لغزش ایمان بود زاینده بی فقر و نیاز و نه هیچ آلوده دامن دزد مادرزاد نیست

نتیجه گیری

انسان با غرایز متولد میشود که شامل غرایز خوب (مثلاً ایمان فطری) و غرایز بد (مثل شهوت) است. انکشاف هر کدام، ارتباط به تربیت در فامیل و فرهنگ و برخوردهای اجتماعی فرد (وجدان وایگو) دارد که میتواند یک انسان مفید بسازد که درین صورت غرایز بد شخص کنترل شده و غرایز خوب انکشاف میابد. نتیجه این که انسانهای مضر و شیطان صفت در فامیل و اجتماع درست تربیت نشده و سبب ایجاد شخصیت مضر شده اند.

در حالت بیداری انسان توسط بخش خودآگاه روان کنترل شده و در کنترل فرد قرار دارد؛ اما در حالت خواب و تفکر عمیق که شخص آگاهی کامل از محیط ندارد، توسط بخش نیمه خودآگاه و ناخودآگاه کنترل کننده اعمال فرد اند.

مآخذ

۱. فروید، زیگموند. (۱۳۹۳). روان ساده، روان پاک. مترجم بهمن کریم نظر. تهران: انتشارات یاران کهن.

۲. فروید، زیگموند. (۱۹۵۶). روانکاوی. مترجم ناصرالدین صاحب زمانی. تهران: چاپ سوم. ناشر عطایی.

۳. فروید، زیگموند. (۱۳۸۱). ضمیر ناخودآگاه. مترجم شهریار وقتی پور. تهران: چاپ ارغنون.

۴. فروید، زیگموند. (ب. ت). مفهوم ساده روانکاوی. مترجم فرید جواهر کلام. تهران: سازمان کتابهای جیبی.

۵. بارون بوریس رامون. (۱۳۸۱). چشم جادویی (اسرار حرفه بی یک هیپنوتیزور). مترجم توحید اسدیا. تهران: چاپ دوم. مؤسسه فرهنگی انتشاراتی نشا.

۶. تقدسی، حمید. ب. ت. مبانی روانکاوی فروید. بی جا:

۷. فروید، زیگموند. (۱۳۸۲). خود و نهاد. مترجم حسین پاینده. تهران: انتشارات ارغنون.

۸. فروید، زیگموند. (۱۳۸۳). خاطرات کودکی و خاطرات پنهانگر. برگردان بهزاد برکت. تهران: انتشارات ارغنون.

۹. فروید، زیگموند. ۱۹۸۴. ورای اصل لذت. کجا: انتشار پنگوئن